

پیامدهای سیاسی شکاف‌های اجتماعی و مساله حکمرانی خوب در ایران پس از دهه ۱۳۴۰

محمدعلی گل محمدزاده^۱

علیرضا اسمعیل‌زاده*

پرویز احدی^۳

چکیده

۱۶۷

طی چند دهه اخیر جهان دستخوش تحولات گوناگون اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی گسترده‌ای شده است بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند با توجه به تغییراتی که در حوزه‌های مختلف زیست بشری به وجود آمده است اتخاذ چشم‌انداز متناسب با این تحولات لازمه هر نوع حکمرانی است، جنبش تهی‌دستان در ایران در چند دهه اخیر نیز از این قاعده مستثنی نیست و این جنبش که در برگیرنده افراد عادی و غیررسمی و خانواده‌های فاقد قدرت نهادی هستند به دنبال بهبود معیشت‌اند. تهی‌دستان به لحاظ اینکه همچون دیگر کشورها جهان سوم در مناطق کم برخوردار و یا بدون برخوردار در حاشیه شهرها به‌ویژه شهرهای بزرگ سکونت دارند معمولاً از روابط اجتماعی و فرهنگی منسجم‌تری برخوردار هستند و با درد مشترکی از جمله بیکاری و فقر دست و پنجه نرم می‌کنند و این درد مشترک نوعی اتحاد برای تحرک دسته جمعی را به‌وجود آورده است، و مجموع این تحرکات برای بهبود معیشت چند سال قبل از انقلاب به‌خصوص از سال ۱۳۴۰ شکل اعتراضی به خود گرفت. در این مقاله تلاش بر این است تا زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری جنبش تهی‌دستان با بررسی اعتراضات ۵ دهه اخیر از (۱۳۴۸ تا ۱۳۹۸) مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. این مقاله در صدد پاسخ به این سوال است که زمینه‌های اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش تهی‌دستان در ایران چیست؟ بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد نبود ساختار متناسب با تحولات نظام جهانی و ناکارآمدی حکمرانی زمینه‌ساز جنبش تهی‌دستان در ایران است.

واژگان کلیدی: جنبش تهی‌دستان، جنبش اجتماعی جدید، ساختار، ایران، حکمرانی

۱. دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، ایران.

* a.ismailzad@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۸

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و شش، صص ۲۰۰-۱۶۷

۱. مقدمه

از لحاظ تاریخی جنبش‌های اجتماعی به قدمت تاریخ جوامع بشر است، و در طول تاریخ انواع تحولات و تغییرات در زیست بشری رخ داده و در حال رخ دادن است، شورش‌ها و اعتراض‌ها گوناگونی از سوی اقوام، نژادها، دهقانان و انواع گروه‌های اجتماعی نمونه بارز این تحولات است البته تفاوت‌های نیز بین جنبش‌های ابتدایی و جدید وجود دارد. "جنبش‌های اجتماعی ابتدایی که از سوی اریک‌ها بس باوم مورد بررسی قرار گرفتند معتقد است اغلب جنبش‌های ابتدایی از سوی رهبران فره‌مند مشخصی ایجاد و یا سازماندهی شدند" (بیات، ۲۳). در حالی که فعالیت جنبش‌های اخیر اغلب خود زاینده هستند. جنبش‌های اجتماعی جهت رهایی از دشواری‌ها و بهبود کیفیت زندگی اکثراً بدون وجود یک رهبری مشخصی با تغییرات جزئی و تدریجی شکل می‌گیرند.

از سده ۱۹ به بعد اینگونه اعتراضات شکل و شمایل دیگری به خود گرفته و در قالب جنبش نمایان شده است. آصف بیات معتقد است "ماده خام جنبش یعنی عاملان آن عموماً ریشه در انتشار ناامیدی مثل بیکاران و یا کم‌کاران و نیز گروه‌های حاشیه‌ای دارند." (بیات، ۱۳۹۷: ۴۷).

متفکرانی معاصری از جمله آلن تورن، آنتونی گیدنز، ماریو دیانی، حسین بشیریه، آبرهامیان، جان فوران و.. که تحولات چند دهه اخیر را به‌ویژه در حوزه جنبش‌های اجتماعی جدید تبیین می‌کنند بیشتر بر این باورند که تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دهه‌های اخیر در زیست بشری رشد و گسترش بیشتری دارد و جنبش‌های اجتماعی جدید از جمله پدیده‌هایی هستند که با رشد و تقویت و تغییر شاخص‌های زیست جهانی در حوزه‌هایی مختلف گسترش زیادی دارند و این تحولات اکثر حکمرانان کشورهای جهان را مجبور به تغییر و تحول و هماهنگی در ساختارهای خود و ادار نموده است.

ایران نیز همچون دیگر کشورهای جهان دارای تحولات مختلف است و این تحولات از فراز و نشیب خاص به‌لحاظ زمانی و مکانی برخوردار است، در این تحولات هر گروه اجتماعی به‌دنبال امتیاز خاص خود است که یا این امتیاز از او سلب

شده است و یا اینکه از امتیاز کمتری برخوردار هستند. و سلب امتیاز به دلیل ناهماهنگی با ساختارهای متحول جهانی زمینه را برای شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی فراهم کرده است و این جنبش‌ها برای دستیابی به حقوق مورد نیاز به بسیج عمومی جهت مبارزه روی آورند.

آنچه که این جنبش‌ها را به این شکل از مبارزه سوق می‌دهد در درجه نخست اضطرار اولیه آن‌ها برای پیدا کردن یک شیوه بدیل برای زندگی است و بهبود معشیت هستند و این امر مستلزم تغییر شغل مکان و اولویت‌هاست، و دوم فقدان یک مکانیزم نهادی متناسب با تحولات چند دهه اخیر جهانی، برای بیان تظلم‌ها و شکایات خود جهت حل آن است.

در عصر جدید جنبش تھی‌دستان جزو پرچالش‌ترین تحرکات برای حکمران‌هاست و این‌گونه از جنبش‌های اجتماعی جدید جزو بازیگران اصلی در جامعه مدنی جهانی به شمار می‌روند، این در حالی است که حکمرانی در ایران خیلی با این تحولات جهانی همراه نیست در واقع همزمان با تغییرات جهانی تغییری در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود نداده است، بنابراین ضرورت دارد حکمرانی ایران نیز هماهنگ با نظام جهانی ساختاری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متناسب با تحولات زیست‌بشری در مقابل تقاضاها و مطالبات این‌گونه جنبش‌ها داشته باشند. حال سوالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که زمینه‌های اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش اجتماعی تھی‌دستان در ایران چیست؟ فرضیه‌ای در پاسخ بیان شده است عبارت از این که نبود ساختار متناسب با تحولات جهانی و ناکارآمدی در حکمرانی زمینه‌ساز جنبش تھی‌دستان در ایران شده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

آنتونی گیدنز از جامعه‌شناسان معاصر، جنبش اجتماعی را از جمله اشکال کنشی جمعی برای دست‌یابی به دگرگونی در برخی از جنبه‌های نظری موجود در جامعه می‌داند. به نظر می‌رسد تلاش او برای ایجاد تعادل در میان فرد، جامعه و روابط بین آن‌ها، از تلاش بسیاری دیگر موفق‌تر باشد. گیدنز در این راستا به معرفی سه مفهوم می‌پردازد:

الف) عامل؛ ب) ساخت؛ و ج) نظام اجتماعی. وی معتقد است نقشی را که عامل و شرایط اجتماعی در ارتباط با یکدیگر ایفا می‌نمایند، به این شرح می‌داند: «کنشگران از طریق فعالیت خویش و در بستر آن، شرایطی را که فعالیت آنان را ممکن می‌سازد، باز تولید می‌کند.» (گیدنز، ۱۹۸۴: ۲) وی معتقد است کنشگران هستند که به تولید مجدد نظام‌های اجتماعی یا به انتقالشان از شرایطی به شرایط دیگر می‌پردازند.

گیدنز، برای توضیح بیشتر در مورد «ساخت، یک دسته‌بندی کلی شامل مفاهیم ساختی زیر دارد: ۱. اصول ساختی: اصول سازمان تمامیت‌های اجتماعی. ۲. ساخت‌ها: مجموعه قوانین منابعی که در شکل‌گیری نظام‌های اجتماع در کارند. ۳. آثار ساختی: سیمای نهادینه شده نظام‌های اجتماعی که در عرصه زمان و مکان ساخت یافته‌اند.» (گیدنز، ۱۹۸۴: ۱۸۵).

هربرت بلومر، جنبش‌های اجتماعی را به‌عنوان «فعالیتی جمعی که در پی ایجاد نظم نوینی است» تعریف می‌کند (بلومر، ۱۹۶۹: ۹۹).

از دیدگاه تورن سه اصل مهم در جنبش‌های اجتماعی وجود دارد:

- ۱- داشتن هویت ۲- موضوع‌گیری درباره چیزی یا موضوعی یا مخالف با آن، ۳- همگانی و عمومی بودن (نقل از روشه، ترجمه وثوقی، ۱۳۶۸: ۱۶۷-۱۶۵)
- اصلی‌ترین وجوه تفاوت بین جنبش‌های اجتماعی جدید با کلاسیک عبارتند از:
- ۱- جنبش‌های اجتماعی جدید برخلاف نوع کلاسیک آن‌ها، بیشتر بعد جهانی دارند تا ملی و محلی و بیشتر دل‌مشغولی جنبش‌های جدید مربوط به انسانیت به‌طور کلی و دشواری‌های مشترک آن است. *گام‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
 - ۲- جنبش‌های کلاسیک معمولاً از ماهیت طبقاتی یا وابستگی به گروهی خاص برخوردارند. در حالی که جنبش‌های جدید هویت محور، جمعی و غیر وابسته به طبقه خاص و ائتلافی از چند طبقه، قشر و هویت هستند. جنبش‌های جدید پیرامون سیاسی شدن هویت‌ها و مسائلی مانند زنان، محیط زیست، صلح، حقوق بشر و قومیت‌ها سازمان یافته‌اند (دل‌پورتا و دیان، ۱۹۹۹: ۱۶-۱۳).

۳- جنبش‌های جدید به شدت به رسانه‌ها به‌ویژه فناوری‌های نوین ارتباطی وابسته و از آن متاثرند و از این طریق به بسیج اعتراضات و مشارکت جهانی مبادرت می‌ورزند.

در حالی که جنبش‌های کلاسیک به رسانه‌های جمعی کلاسیک و ارتباطات چهره به چهره بوده‌اند.

جنبش‌های اجتماعی جدید و تمایز آن‌ها با جنبش‌های اجتماعی کلاسیک از نظر باتامور معتقد است این جنبش‌ها عبارتند از کوشش جمعی برای پیش‌برد یا مقاومت در برابر دگرگونی در جامعه‌ای که خود بخشی از آن جامعه را تشکیل می‌دهد. (باتامور، ترجمه صبوری کاشانی، ۱۳۷۲)

از نظر روشه، جنبش‌ها سازمانی است که به منظور دفاع، گسترش یا دستیابی به هدف‌های خاصی شکل گرفته‌اند (روش، ترجمه وثوقی، ۱۳۶۸: ۱۶۴).

ماریو دیانی از دیگر متفکرین معاصر نیز با دیدگاهی ترکیبی، جنبش‌های اجتماعی را محصول شبکه‌ای از تعاملات غیررسمی می‌داند که بین تعداد زیادی از اشخاص، گروه‌ها و یا سازمان‌های که بر اساس یک هویت جمعی مشترک در تضاد فرهنگی یا سیاسی درگیرند جریان دارد. ایشان معتقد هستند جنبش‌های اجتماعی به مثابه شبکه‌ای از روابط غیررسمی بین افراد و سازمان‌های گوناگون است که از هویت جمعی مشخصی برخوردارند و منابع را در ارتباط با مسائل مورد مناقشه بسیج می‌کنند. (همان، ۱۱۷)

۳. جنبش تهی‌دستان ۵ دهه اخیر در ایران

۳-۱. جنبش تهی‌دستان، (۱۳۴۸-۱۳۵۸)

(دهه آخر عمر حکومت پهلوی)

حکومت پهلوی در شرایط غیردموکراتیک یا شبه دموکراتیک حکومت پادشاهی با توجه به جهانی شدن صنعت و اقتصاد، طبقاتی با فاصله زیاد در جامعه به وجود آورده بود، و به دلیل عدم توان مدیریتی حکمرانی این فاصله زیاد، شکاف اجتماعی را ایجاد و طبقه بالایی جامعه را از طبقه پایین جدا کرده و تهی‌دستان ضمن اینکه در حاشیه قرار گرفته بودند با این شرایط نه در اقتصاد جایی برای تهی‌دستان بود نه در ساختار تصمیم‌گیری و یا تصمیم‌سازی، و تهی‌دستان با حداقل‌های زندگی در کنار ثروتمندان برای بقا خود چاره‌ای جز زندگی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی در حاشیه شهرهای بزرگ و شغل‌های کاذب ندارند" به‌عنوان مثال تا اواسط دهه ۱۳۵۰ تهران با جمعیت بیش از ۵ میلیون

نفری حدود ۵۰ محله تهی‌دست‌نشین و حاشیه‌نشین با حدود یک میلیون نفر در خود جای داده بود." (بیات، ۱۳۹۷: ۵۸، ۶۳).

تهی‌دستان در محلاتی که زندگی می‌کنند معمولاً فاقد هر گونه خدمات اولیه زندگی هستند، و این شرایط مشترک میان تهی‌دستان آن‌ها را برای اقدام مشترک ترغیب می‌کرد و روز به روز احساس بی‌عدالتی و ناکارآمدی حکمرانی در بین تهی‌دستان رشد می‌کند. نهایتاً در کنار برخی عوامل دیگر اقدامی اساسی همچون انقلاب ۱۳۵۷ رخ می‌دهد. هر چند از دیدگاه دکتر شریعتی این روشنفکران بودند که نیروهای انقلابی را ساختند، اما این یک واقعیت است که در کف خیابان‌ها تهی‌دستان بودند که برای تغییر به‌نحوه مطلوب جان دادند و فعالیت چریک‌های چپ و یا مذهبی در بین تهی‌دستان ناآرامی‌ها را شدت می‌داد، چون تهی‌دستان انگیزه لازم را داشتند. در اوایل به اقدام خرد و یا خاموش و آرام آرام به نتیجه جمعی و پر سر و صدا منجر شد.

اگر انقلابیون روشنفکر برای قدرت دست به شورش می‌زدند، تهی‌دستان ضرورتاً برای بهبود وضع زندگی‌شان تلاش می‌کردند تا شاید با عمل به انقلاب تغییری در زندگی خود احساس کنند.

ارنستو لا کلاؤ (Ernesto Laclau) بر این باور است که در کشورهای جهان سوم ناتوانی نهادهای رسمی در برآوردن کثیری از خواسته‌های مردم، فی‌المثل در حومه شهرها موجب ساخته شدن ذهنیت اجتماعی وسیع‌تری می‌شود که او آن را خواسته‌های پوپولار می‌نامد. (صادقی، ۱۳۹۸: ۶۱).

۲-۳. جنبش تهی‌دستان دهه دوم، (۱۳۵۸-۱۳۶۸)

(دهه اول بعد از انقلاب اسلامی)

در این مرحله از جنبش اجتماعی، تهی‌دستان شهری خانه‌ها و هتل‌های خالی، توسط تهی‌دستان روستایی (دهقانان فاقد زمین) املاک کشاورزی بزرگ را تصرف کردند، کارگران کارخانه‌ها را در اختیار گرفتند، بیکاران برای خود کمیته جهت کنترل رفت و آمد ایجاد کردند (بیات، ۱۳۹۷: ۱۱۵).

در این دوره تهی‌دستان در گروه‌ها مختلف برای بقاء و بهبود وضعیت زندگی خود دست به اقدامات جمعی می‌زدند البته در مقابل این تلاش دولت سعی داشت در همان ۲، ۳ سال اول این تهی‌دستان را از تصرفات خود خلع ید کند اما با مقاومت شدید تهی‌دستان مواجه بود. و بر پایه همین تضاد و تخاصم جنبش شکل گرفته، و با نفع وضع موجود مطالبه جمعی شکل تهاجمی به خود می‌گیرد.

از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ که مصادف بود با جنگ ایران و عراق در همین دوره، جنگ خودی نیز بین نخبگان چپ و راست در جریان بود و این دو عامل مهم تهی‌دستان را در حاشیه قرار داد و عملاً موجب فقیرتر شدن تهی‌دستان شد هر چند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در سال ۱۳۷۶ با انتشار آماری فقر را از ۲۷/۳ درصد به ۲۰/۹ درصد کاهش نشان داد ولی واقعیت برخلاف این آمار بود و اتفاقاً بخش عمده شورش‌های شهری در این دوره رخ داده است. (پرویز پیران - مقاله فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران ۸۴ - عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی)

از اواخر دهه ۱۳۵۰ تا اواخر دهه ۱۳۶۰ ضمن افزایش خیل بیکاران بر اثر هجوم به شهرهای بزرگ و تعطیلی کارخانه‌ها حاشیه‌نشینی به جز پایتخت در شهرهای همچون مشهد، تبریز، کرمانشاه، اراک، همدان، اصفهان، شیراز نیز قابل ملاحظه‌ای داشت (همشهری، ۷ دی ۱۳۷۱)

در این دوره علاوه بر جنگ ایران و عراق و جنگ قدرت بین نخبگان دوران انقلاب فرار سرمایه‌داران و تعطیلی بخش بزرگی از صنایع بر شدت تهی‌دستی افزود هر چند دولت سعی داشت این وضعیت را سر و سامان دهد و با ایجاد بنیاد مسکن اقدام به ساخت مسکن برای تهی‌دستان کند اما با افزایش سریع جمعیت شهری تهی‌دستان موفق نبود. (آینه گاهی، ۱۳ خرداد ۱۳۵۸)

با رشد حاشیه‌نشینی به‌ویژه در شهرهای بزرگ و نبود امکانات شهری در این مناطق مطالبات مردم از دولت روز به روز بیشتر شد، در برخی از محلات تهران حاشیه‌نشین‌های تهی‌دست به دلیل نبود آب شهری سالم آب آشامیدنی خود را از محل آب انبارها که حاوی انواع باکتری‌ها و ویروس بیماری‌زا بود تامین می‌کردند، بسیاری از اهالی با نوشتن عرض حال‌ها و نامه‌های سرگشاده به مقامات و روزنامه‌ها درخواست

کمک می‌کردند، قطعی برق، جیره‌بندی غذا، نهایتاً مردم را مجبور به تظاهرات در خیابان‌ها می‌کرد. در سال ۱۳۶۱ زنان زورآباد کرج به دنبال چندین روز بسیج و سازماندهی مقامات شهر را مجبور کردند تا شبکه جمع‌آوری زباله را بر محله آنان نیز توسعه دهند. (اطلاعات ۱۶ بهمن ۱۳۶۱)

در سال ۱۳۶۳ در اراک صدها تن از ساکنان زورآباد به سمت سالن اجتماعات شهر راهپیمایی کردند و خواستار آبرسانی به منطقه‌شان شدند (با شعار آب، آب تشنه‌ایم) زنان مهدیه در جنوب تهران (در تیر ۱۳۶۴) شهرک فردیس کرج (تیر ۶۳) و دیگر نقاط کشور به امید بهبود وضعیت‌شان مبارزات مشابهی داشتند. (راه کارگر، شماره ۸ آبان ۱۳۶۳)

وضعیت مشابه در شهرها و محلات مختلف در کشور، جوامع تهی‌دستان را به هم متصل و منسجم می‌کرد تا هر چند پراکنده اما با یک صدا و با هماهنگی در مراسم مشترک فرهنگی مذهبی برای مطالبات خود متحدتر شدند، و با تشکیل شوراهای مجلسی برای کمک به بهبود شرایط زندگی به کمک فقیرتر از خود می‌رفتند. به‌طور سنتی تهی‌دستان در ایران با درآمد کم و بدون مهارت از جایگاه اجتماعی پایینی برخوردار بودند، این گروه‌ها کار و زندگی در نظام اقتصادی و فرهنگی در حال مدرن شدن را دشوار می‌یابند (علیرضا صادق، زندگی روزمره‌ی تهی‌دستان شهری در ایران ص ۲۲) در این شرایط تهی‌دستان به زیست معیشتی خیابانی و کاذب متوسل می‌شدند، و این شرایط غیررسمی نظارت را بر دولت سخت می‌کرد و حتی به ناچار به‌صورت مستقیم با اینگونه زیست به مقابله می‌پرداخت، به تعبیر فوکو «اگر حکومت کردن ساختن میدان‌های ممکن برای کنش دیگر باشد» پس زیست جهان‌های حاشیه‌ای می‌تواند ترتیبات قدرت را در جریان اصلی متزلزل کند زیرا دمامد تهدیدی برای حکومت‌مندی است. تهی‌دستان ضمن سیاست‌های علنی در فضای عمومی در محیط‌های غیررسمی زیست خود با خرابکاری و پنهان‌کاری از جمله انشعاب آب و برق غیرمجاز به مقاومت برای بهره‌مندی از زندگی خود ادامه می‌دهند و ادامه این وضع کنش بین مردم و صاحبان قدرت را تشدید می‌کند و این تشدید تنش حاکمیت را شکننده می‌کند و دولت سرکوب را در دستور کار خود قرار می‌دهد. این در حالی است

که سرکوب بی‌فایده است چون سرکوب بیشتر همیشه مقاومت سختی را به دنبال داشته است. و دولت به دلیل نبود ساختاری مناسب دست به عمل پوپولیستی از جمله عرضه مستقیم کالا و خدمات موقت از منابع دولت می‌کند. روند دگردیسی پوپولیسم انقلابی یا جهان‌سومی اگر چه به آرامی از همان سال‌های نخست انقلاب آغاز شده بود پس از جنگ بود که ظهور چشم‌اندازی ضدلیبرال در اقتصاد ایران به آن شتاب داد. پیروی از «اجماع واشنگتن» پیوندهای دولت را با اقشار تهی‌دست تضعیف کرد و تقریباً هر بینش واقعی و رادیکال درباره باز توزیع ثروت و تغییر در روابط مالکیت را به نفع طبقات پایین به حاشیه راند (صادقی، ۱۳۹۸: ۴۵).

۱۷۵

مخالفان اقتصاد دولتی با شعار کار را به مردم بسپاریم به گونه‌ای این شعار را پیش بردند که وانمود کنند این عمل به نفع مستضعفان است. و در این میان محافظه‌کاران با سوءاستفاده از گفتمان مردم‌گرایی امام خمینی که در ۲۲ بهمن ۱۳۶۳ گفته بود چنان که کرارا گفته‌ام و تذکر داده‌ام بدون شرکت مردم بخش‌های خصوصی جوشیده از طبقات محروم با شکست مواجه خواهد شد (رسالت ۹ آذر ۱۳۶۸) انقلاب نولیبرالی مورد قبول خود را از بالا کلید بزنند، در پی گفتمان امام خمینی تصرف خصوصی ثروت عمومی را عملیاتی کردند.

و با این وضع خصوصی‌سازی به جز اوایل انقلاب کارگران توان تصمیم‌گیری را از دست دادند، و این روند عملاً قدرت چانه‌زنی و دفاع از خواست منافع تهی‌دستان را تشکل‌های مستقل از جمله شوراهای کارگری و محلی کاهش داد. در این حالت ذی‌نفعان خاص شعار خصوصی‌سازی از طریق کانال‌های رسمی و غیررسمی منافع خودشان را تامین کردند و نهایتاً ایدئولوژی اقتصاد آزاد به خدمت طبقه مسلط درآمد و آشکارا دارایی‌ها و شرکت‌ها بزرگ را در تصرف خود در آوردند و با این وضع تعدیل نیروی انسانی تشدید شد و زیست برای چه کارگران شاغل با حداقل حقوق و چه کارگران تعدیل‌شده طاقت‌فرسا شد و زندگی را برای این قشر تهی‌دست دردناک کرد. سوء مدیریت در حکمرانی در این شرایط پیوند میان این قشر از تهی‌دستان را مستحکم‌تر کرد. و تهی‌دستان که در حاشیه شهرها متمرکز شده بودند و به دلیل تهی‌دستی و نبود امکانات اولیه زندگی و کار مناسب مجبور به گذراندن زندگی از



مسیرهای غیررسمی بودند با حملات نیروهای امنیتی مواجه بودند و در این شرایط مقاومت را تنها چاره زندگی خود می‌دانستند.

۳-۳. جنبش تهی‌دستان دهه سوم، (۱۳۶۸-۱۳۷۸)

(مصادف با شعار دوران سازندگی)

در این دهه جنگ تمام شده بود و دولت فرصت بیشتری برای مقابله با وضعیت حاکم در دست داشت. تخریب سکونت‌گاه‌های غیررسمی و مبارزه با شاغلین غیررسمی که حاصل تعدیل نیروی کار کارگران کارگاه‌ها و کارخانه‌های تعطیل شده و مهاجرت روستائیان به شهرها بود را تشدید کرد به‌عنوان مثال علیرغم هشدارهای نیروی انتظامی در اول سال ۱۳۶۹ برای سکونت‌گاه‌های غیررسمی و شاغلین خیابانی مقاومت در برابر این هشدارها نیز ادامه داشت گاهی مقاومت تهی‌دستان با پرداخت رشوه ادامه پیدا می‌کرد. در قضیه خاک سفید، زمانی که نیروهای انتظامی عقب‌نشسته تظاهرکنندگان شعار می‌دادند «ما با خون‌مان، خانه‌هایمان را ساختیم و آن‌ها را به سادگی خرابش کردند» آنان در مقابل دفتر شهرداری تظاهرات کردن تا خشم‌شان را ابراز کنند. روز بعد که کامیون‌های شهرداری به محل مراجعه کردند با حمله سنگین ساکنین مواجه شدن. دولت در مقابل مقاومت سخت ساکنین تاکتیک متفاوتی را امتحان کرد، از جمله خریدن برخی ساکنان با استفاده از اختلاف‌بینداز و حکومت‌کن که در مورد کیان شهر اجرا شد را در پیش گرفت (بیات، ۱۳۹۷: ۱۹۵-۱۹۴).

آشوب‌های در شهرهای تهران، شیراز، مشهد، اراک و خرم‌آباد کمتر از یک سال بعد و طی سال‌های ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۱ رخ داد و برجسته‌ترین آن در شهر مشهد در خرداد ۱۳۷۱ و در مقابل ندادن مجوز ساخت به ساکنان کوی طلاب بود طوری که با درگیری میان ساکنان و عوامل شهرداری و نیروی انتظامی دو پسر بچه مورد اصابت گلوله قرار گرفت و این اقدام نیروی انتظامی خشونت را تشدید کرد (همان، ۱۹۷).

حامیان اقتصاد آزاد بعد از مشهد نیز برای به دست آوردن مشروعیت خود گفتمان پوپولیست جدید را مطرح کردند در سایه بحران‌های اقتصادی و اجتماعی جنگ بازارگرایان فرصتی جهت حمله به روش‌های منحن دولت سالاری مانند ملی‌شدن

تجارت خارجی، قانون زیست شهری و برنامه‌های بسیج اقتصادی تا جناح چپ اسلامی را در مصاف با توده‌های ناراضی خلع سلاح کنند. برای نمونه مقاله‌ای در روزنامه جمهوری اسلامی در اسفند ماه ۱۳۶۹ منتشر شد، نویسنده در انتقاد از مردم‌گرایی باز توزیعی وی از انقلاب نوشته بود. امروزه و پس از دوران جنگ به وضوح می‌بینیم بخش قابل توجهی از افراد جامعه تا چه حد منفعل شده‌اند و مسئولان به صورت عامل توزیع امکانات بین مردم درآمدند. بالطبع یعنی مسئولان نیز مسئول همه نابسامانی‌ها قلمداد می‌شوند. و مردم را در این شرایط منفعل معرفی کرده است.

۱۷۷

در واقع مخالفان اقتصاد دولتی معتقد بودن با آزادسازی اقتصاد می‌خواهند از مردم مستضعف حمایت کنند. از همان دوره بود که تعبیر مردمی کردن اقتصاد و مشارکت مردمی در معنای نوین آن باب شد تا اینکه فضا برای تصرف خصوصی ثروت عمومی در پی گفتارهای عامه‌پسند پیش رود. دولت دوره سازندگی با رویکرد اقتصاد آزاد عرصه را برای شخصیت‌های چپ اسلامی تنگ‌تر کرد و با توجه به ساختار رانتیر موجود در کشور شرایط ناعادلانه اقتصادی روز به روز برای مردم عادی ملموس‌تر شد و شکاف موجود قبلی بیشتر و بیشتر شد و نبود فرصت برابر برای همه تضاد را هر روز بیشتر از روز قبل در جامعه نمایان کرد. در واقع اقتصاد آزاد مورد عمل در خدمت طبقه متوسط به بالا قرار گرفت.

با این روش آزادسازی اقتصاد کسب و کارها عملاً به سمت و سوی سوداگری و دلالی در تجارت و خدمات و املاک رفت و با خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی به جای اینکه رونق تولید و اشتغال انجام گیرد مسئله‌ای بیکاری گسترش یافت و وضع کارگران بدتر از گذشته شد، تنها در دوره ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ بالغ بر چهارصد هزار نفر از کارگران به صورت رسمی و غیررسمی اخراج شدند (مومنی، اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری، تهران: نقش نگار ۱۳۸۶)

با توجه به شرایط و افکار حاکم بر خصوصی‌سازی بر پایه اقتصاد آزاد و مشکل ساختاری که در این مسیر وجود داشت، ذینفعان اصلی این دوره نیز طبقه پایین نبودند. تنها رانتی که در بخش موضوع تراکم‌فروشی و در بخش مدارس غیرانتفاعی (مرکز پژوهش مجلس ۲۳ فروردین ۱۳۹۶) در دهه (۱۳۷۰) در بین سیاستمداران و نهادهای



غیر مرتبط اتفاق افتاد، ضمن اینکه هیچ سهمی متوجه تھی‌دستان نشد، بارها افسار اقتصاد آزاد از کنترل دولت خارج شد. و چنین تغییرات در وضع موجود زیست تھی‌دستان را با مشکل مواجه و بدبینی را به حاکمیت بیشتر کرد. و در بین مستضعفین زمزمه ما انقلاب کردیم ظلم و تبعیض از بین رود نه اینکه هر روز بیشتر از دیروز زیر پا له شویم تحرکات و اتحاد تھی‌دستان را منسجم‌تر کرد در واقع جنگ برای بقا در بین تھی‌دستان به اشکال مختلف زیرزمینی یا روی‌زمینی تشدید شد. درگیری بین بساط‌فروشان جاده ساوه و مشهد شیراز و اراک و خرم‌آباد اعتصاب حدود دو هزار نفری کارگران در دهه‌های ۱۳۷۰ نمونه بارز آن بود (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ مهر ۱۳۸۳) در این شرایط هر چند پوپولیسم‌های اقتدارگرا توده‌ها را از هر گونه اعتراض ستیزه‌جویانه کف خیابان باز داشته بودند، اما تھی‌دستان به‌صورت آرام و غیرآشکار به اعتراض ادامه می‌دادند. این‌گونه حرکت آرام تھی‌دستان در برخی موارد مثل شورش، سه روز اسلام شهر در سال ۱۳۷۴ که منجر به غارت اموال دو بانک و صندوق قرض‌الحسنه‌ای ذخیره انقلاب اسلامی سلطان‌آباد و کالاهای سردخانه بزرگ در جاده ساوه به‌صورت آشکارا ظهور می‌کرد.

ریچارد رز در تحلیل جامعه‌ی روسیه می‌گوید شبکه‌های اجتماعی غیررسمی مردم عادی در برابر یک دیوان سالاری دولتی ناکارآمد، تمامیت خواه و فاسد به‌وجود می‌آید تا با توسل به آن نیازهای روزمره‌شان را برطرف کنند و کارهایشان را پیش ببرند. (ریچارد رز کارها در جامعه‌ی ضد مدرن چگونه پیش می‌رود) درکیان تاجبخش، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان (تهران: پژوهش شیرازه، ۱۳۸۴: ۶۰۹-۵۶۹).

این دوره که مصادف بود با دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی که با سیاست باز اقتصادی و با وضع قوانین ضد انحصار و با استفاده از وزیران با گرایش تکنوکرات در وزارتخانه‌های اقتصادی دولت مدیریت می‌شد، تنها در دوره اول دولت با ۵۰ درصد کسری بودجه مواجه شد و این دوره نیز بدون اینکه آبی برای تھی‌دستان گرم شود به پایان رسید. هر چند برنامه‌های دولت هاشمی رفسنجانی در این دوره سیاست‌های با

حمایت اقشار آسیب‌پذیر بود شاید شتابزدگی برای پیشرفت، همچون گذشته نتوانست جلوی رشد نرخ تورم و افزایش شکاف طبقاتی را بگیرد.

۳-۴. جنبش تهی‌دستان دهه چهارم، (۱۳۷۸-۱۳۸۸)

(ظهور ملموس اینترنت در ایران)

در این دوره تا حدودی تمایز بین جنبش کلاسیک و جدید ملموس‌تر است به‌ویژه اینترنت و فضایی حاکم بر جهانی شدن تاثیر خود را در ایران نیز نشان داد در واقع فنی‌آوری نوین ارتباطی جنبش‌ها را در محدوده حالت طبقاتی یا گروهی کم‌رنگ کرد و به حالت جمعی غیر وابسته به طبقه یا گروه خاصی ائتلافی به خود گرفت.

و به قول تورن: جنبش‌ها رنگ و بوی هویتی، موضع‌گیری درباره چیزی یا موضوعی یا مخالفت با آن، همگانی و عمومی بودن را نشان داد. در واقع از حالت چهره به چهره به حالت شبکه‌ای فراملی روی آورد و کنشگران در فضایی مجازی بیشتر ارتباط برقرار کردند هر چند نقش اینترنت در جهان اول از دهه ۱۹۹۰ میلادی با توجه به رشد فن‌آوری اطلاعات نمایان کرد ولی به‌لحاظ نبود زیرساخت‌های فن‌آوران در ایران فضای مجازی با تاخیر وارد ایران شد. با این تاثیر شبکه‌ای هویت مشترک نقش مهمی در شکل‌گیری جنبش را بر عهده گرفت و در این شرایط جنبش که بیشتر نمایان است جنبش مقاومت است. مقاومت جهت تغییر وضع موجود در دامنه اجتماعی، ارزش انسانی، کرامت انسانی، عدالت و حاکمیت قانون، بهبود کیفیت زندگی، امنیت شغلی، کار، حقوق اجتماعی مساوی، شکل و شمایل جهانی به خود گرفته است.

این دوره که حاکمیت فضایی مجازی سایه جامعه جهانی در ایران نقش خود را عملیاتی کرد، و اعتراضات را شبکه‌ای و ارتباطات را سریع‌تر کرده است این وضع کنترل را کمی از دست حکمرانان خارج و یا آن را سخت‌تر نمود.

سبک‌های جدید زندگی با الگوپردازی از فضای مجازی هنجارهای قبلی جامعه را با چالش مواجه کرده است، در این دوره چالش فرهنگی نیز در کنار چالش‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی وارد کارزار شده است. و این نوع چالش عملاً خود را در تفرجگاه‌ها و مناسبات جمعی از جمله جنبش‌ها و کاروان‌های شادی نشان می‌دهد مقاومت نیز در



برابر این‌گونه تحرکات اعتراضی هر چند سخت ولی در اشکال مختلف از سوی دولت و یا برخی نهادها ادامه دارد اما به دلیل پراکندگی این وضع عملا از کنترل خارج است. التهابات جهانی از جمله حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برج دوقلوی تجارت جهانی در نیویورک، شروع جنگ با تروریسم از جمله حمله به افغانستان و عراق از سوی آمریکا نیز تاثیر خود را بر جامعه پر التهاب این دوره بر ایران داشت و شوک اقتصادی در جهان و ایران بر جا گذاشت و وضعیت حاکم بر جهان مشکلات اجتماعی را در ایران دو چندان کرد و علی‌رغم برخی موفقیت‌های دولت در ثبت رکورد بیشترین رشد اقتصادی و اجرای موفق پایین آوردن نرخ تورم و اجرای موفق تک نرخ کردن ارز این دوره نیز با چالش ناموفق خصوصی‌سازی و ادامه پرداخت یارانه دست به گریبان بود. و همچنان مشکلات تورم قیمت مسکن و بیکاری در کنار فضای پر تنش سیاسی که شعار اصلی دولت هفتم و هشتم بود همزمان با کاهش قیمت نفت و کاهش درآمدهای ارزی افزایش مجدد تورم را به‌ویژه در سال ۱۳۷۸ به دنبال داشت و این وضع باز به فشار اقتصادی به‌خصوص در بخش مسکن و بیکاری بر پیکره مردمان تهنی‌دستان افزود.

در این گذر زمان سوداگران زمین و مسکن بیش از پیش در ساختار اقتصاد سیاستی قدرت گرفتند و عملا رانت ساخت و سازها را تصاحب کردند (اولین کنفرانس اقتصاد شهری ایران مشهد دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۹۰) شرایط حاصل از رانت در بخش مسکن تهنی‌دستان را به حاشیه شهرها گسیل کرد و شهرهای پیرامونی محل سکونت تهنی‌دستان شد و به‌لحاظ نبود زیر ساخت شهری مشکلات در این مناطق از جمله انباشت زباله، نبود فضای سبز، آب و برق زندگی را برای این قشر سخت و سخت‌تر کرد.

این دوره که مصادف بود با نیمه دوم دوره اول و دوره دوم دولت اصلاحات که با شعار توسعه سیاسی بر سر کار آمده بود جنبش‌های سیاسی علی‌رغم ادامه روند جنبش‌های اجتماعی تهنی‌دستان پر رنگ‌تر و مشهود بود (از جمله وقایع ۱۸ تیر ۱۳۷۸ کوی دانشگاه تهران) و عملا درد و رنج این قشر به فراموشی سپرده شد اما در این وقایع جنبش‌های اجتماعی در درون جنبش‌های سیاسی با شکل و شمایل سیاسی از فعالیت خود عقب‌نشینی نکرد و همچنان مسکن و بیکاری و ناعدالتی‌های اجتماعی

دغدغه اصلی تهی‌دستان جامعه بود در اصل تهی‌دستان از هر فرصتی جهت ابراز نارضایتی خود به وضعیت کار، مسکن، تورم به‌ویژه در شهرهای بزرگ استفاده می‌کردند. تنشی که در سال ۱۳۷۸ در پی برخورد شهرداری مشهد با جمع‌آوری بساط بیش از پنجاه هزار دست‌فروش رخ داد، نمونه‌ای از مبارزه تهی‌دستان برای بقاء را نشان می‌داد. (محمدطاهر احمدی شاد مه‌ری «بررسی وضعیت شاغلان بخش غیررسمی»، مطالعه موردی مشهد)

نمونه‌های دیگر واکنش کارگران کارخانه چیت‌ری در خرداد سال ۱۳۸۰ کارگران کارخانه ذوب مس خاتون‌آباد کرمان، اعتراض معلمان اصفهان به‌خاطر دستمزد (دلفروز، دولت و توسعه اقتصادی؛ اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا تهران: آگاه ۱۳۹۳ ص ۲۸۸)

تکرار وضعیت دهه‌های قبل در این دوره نیز بیکاری و تنگدستی و زیستن در محلات محروم و حاشیه‌آلود داشت، و در ادامه همین‌گونه اعتراضات و مشکلات انباشت شده در ماه‌های پایانی دولت اصلاحات، مردم منجیل‌آباد منطقه فقیرنشین در شهرستان رباط‌کریم از خانه‌ها به خیابان‌ها آمدند و جاده را مسدود کردند (سایه تهران ۱۲ اسفند ۱۳۸۳).

چهار سال آخر این دوره ده ساله که منتهی به دوره اول دولت نهم بود و با شعارهای علنی مطابق با خواسته‌های تهی‌دستان در مقام منجی وارد حکمرانی شد و شعار مقابله با فساد و حمایت از تهی‌دستان اصلی‌ترین موضع این دولت شد و دیدگاه پوپولیستی با توجه به وضعیت معیشتی نامناسب در ایران رونق گرفت، اما خوشبینی تهی‌دستان زیاد دوام نیاورد و وزارت کار همین دولت با تنظیم پیش‌نویس اصلاحیه قانون کار اختیار کارفرمایان را برای اخراج کارگران بیشتر می‌کرد در همان سال دولت با تصویب و اجرای لایحه‌ای مدیریت خدمات کشوری به‌دلیل ناتوانی در بار مالی حاصل از این قانون مخالفت کرد و این وضع باعث شد هم کارگران و هم کارمندان آشکارا و پنهان نارضایتی خود را تشدید کردند.

دولت نهم نیز با دیدگاه دولت‌های دهه ۶۰ با شعار حمایت از تهی‌دستان به‌دلیل نبود برنامه اقتصادی و اجتماعی نتوانست امیدهای این قشر عظیم از جامعه را به واقعیت

تبدیل کند، و به‌لحاظ اینکه از دهه‌های قبل مردم در میدان باز توزیع از منابع داخلی عادت کرده بودند کارگران و کارکنان دولت به‌دنبال افزایش حقوق و بقیه مردم نیز با توجه به بافت اقتصادی حاکم سرپرستی مستقیم دولت را برای خود می‌خواستند و این دولت نیز به‌لحاظ نزدیکی به دوره دوم انتخابات حامی پروری به شکل پوپولیستی را تنها راه پیروزی خود در آینده می‌دانست و خود را محکوم به قبول مطالبات تهی‌دستان می‌دید که خواسته اولیه زندگی خود را دنبال می‌کردند، در سال آخر (۱۳۸۷) که مصادف بود با پایان دوره اول ریاست جمهوری دولت نهم سقوط قیمت نفت در بازارهای جهانی عرصه را بر این دولت تنگ‌تر و تهی‌دستان را برای بقاء ناامید کرد و به‌دلیل کسری بودجه حاصل از این وضع دولت را به قول رئیس دولت وقت به فکر جراحی اقتصادی واداشت دولت نهم نیز مثل دولت‌های قبلی علاج را در بعد از وقوع حادثه دنبال می‌کردند در واقع حادثه تاثیر مخرب خود را یک‌بار در زمان وقوع و یک‌بار به‌دلیل نبود تصمیم کارشناسی و ساختار متناقض با تصمیم در بعد از وقوع و در هنگام مقابله با حادثه به جامعه تحمیل می‌کرد. نهایتاً در اواخر این دهه و پایان دوره اول دولت نهم مجلس هشتم به همراه دولت، انقلاب اقتصادی موردنظر را علی‌رغم برخی مخالفت‌ها و حال و هوای سیاسی حاکم بر انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری تصمیم قطعی خود را برای اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و توزیع سهام عدالت اعلام کرد و معتقد بود ایستادگی در مقابل این برنامه مخالف با عدالت و تضعیف حقوق فقر است.

دولت برای عقب‌نماندن از کارزار انتخاباتی اقدام به توزیع سود سهام عدالتی کرد که توانست با جلب نظر تهی‌دستان جامعه متحدانی از این قشر برای این طرح داشته باشد و این دوره ده ساله با خوش‌خیالی تهی‌دستان مبنی بر اینکه آفتابی روشن برای کارگران، بیکاران، بی‌خانمان‌ها، و بینوایان مسکین طلوع خواهد کرد در انتظار باقی‌نگه داشت، و تهی‌دستان را با کلمات و جملات از جمله تولد اقتصاد ایران، جهش بزرگ اقتصادی مردمی‌ترین طرح اقتصادی شیفته خود کردند. تا جامعه وارد اجرای عملی این طرح در دوره دوم دولت احمدی‌نژاد شد.

۳-۵. جنبش تهی‌دستان دهه پنجم، (۱۳۸۸-۱۳۹۸)

(بهره‌کشی سیاسی از جنبش اجتماعی تهی‌دستان)

این دهه شاید یکی از پرتهاپ‌ترین و پرتنش‌ترین دهه معاصر ایران بود چرا که حوادث انتخابات ۱۳۸۸ ریاست جمهوری طرح تحول اقتصادی فعالیت تهاجمی برخی جریانات سیاسی جنبش‌های سیاسی، تحرکاتی هم‌زمان با جنبش‌های اجتماعی نارضایتی خودشان را علنی کردند در این اوضاع و احوال به دلیل نبود قالب سازمانی جنبش‌های اجتماعی، جنبش‌های سیاسی در این وضع توده‌های مردم را که بیشتر تهی‌دستان جامعه بودند پیرو خود اما در خط مقدم مبارزه به کف خیابان‌ها آوردند و حوادث ۱۳۸۸ را طوری مدیریت کردند که باز در این میان تهی‌دستان بازنده اصلی این تعارض شدند. ترس دولت از تشدید تعارضات تقریباً کشور را در حالت امنیتی قرار داده بود و این وضع فرصتی برای میدان‌داری بازارگردانان فراهم می‌کرد تا از این التهاپات حداکثر سود را نصیب خود کنند. در واقع در حداقل زمان ممکن تهی‌دستان دریافتند وعده‌های اقتصادی و معیشتی دولت شعاری بیش نبود و تنها خوراک انتخاباتی داشت هر چند آزادسازی اقتصاد بعد از جنگ در دولت هاشمی استارت خورده بود و به دلیل نبود برنامه کارشناسی مورد قبول متخصصان امر در بیشتر مواقع موجب غارت اموال عمومی در واگذاری‌ها که موجب بیکاری کارگران شد اما دولت‌های بعدی و این دولت نیز با طرز تفکر اقتصادی خود این روند را ادامه داد. در این دوره به نحوی القا شد که سرمایه‌داران جنایتکاران اقتصادی و عامل اصلی تمام مشکلات تهی‌دستان هستند و توجهی به مشکلات ساختار موجود تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نشده است.

هر چند شعارهای پوپولیستی آرامش نسبی را در مناطق تهی‌دستان به دنبال داشت و تهی‌دستان باور کرده بودند که این برنامه اقتصادی یا همان هدفمندی یارانه‌ها باعث بهبود وضع معیشتی آنان خواهد شد اما با گذشت حدود یکسال از اجرای این طرح و جنگ قدرت دائمی بین احزاب پیروز و فراموشی مشکلات معیشتی تهی‌دستان نارضایتی‌ها در کوچه پس کوچه‌ها بصورت پنهان و آشکار به گرانی‌ها و بیکاری‌های افسار گسیخته بالا گرفت، ((راهپیمایی و اعتراض به گرانی و کمبود کالا مردم شهر

۱۸۳

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

پیامدهای سیاسی
شکاف‌های اجتماعی
و مساله حکمرانی
خوب در ایران پس
از دهه ۱۳۴۰

نیشابور در مرداد ماه ۱۳۹۱ از جمله اعتراضات بود. اعتراض کتبی حوزه علمیه قم به گرانپها در سال)) (اردیبهشت ۱۳۹۱) (مردم سالاری ۱۸ تیر ۱۳۹۱).

با اجرای طرح اقتصادی در دولت نهم قرار بود کام تهی‌دستان را شیرین کند رفته رفته و با گذشت اندک زمان فشار اقتصادی به توده مردم شدت گرفت و هر روز بی‌توجهی دولت مردان به خواسته‌های تهی‌دستان بیشتر شد و عملاً گفتمان مهرورزی دولت حاصلی جهت بهبود معیشت این قشر عظیم جمعیتی نداشت و در شرایطی که مهاجرت همچنان به شهرها بویژه شهرهای بزرگ سرازیر می‌شود دولت برنامه‌ای برای کنترل این وضع ارائه نکرد و هر روز بیشتر از دیروز بر تعداد خانواده‌های فاقد مسکن و شغل افزوده می‌شد، و به تبع آن حاشیه‌نشینی و مشاغل کاذب از جمله دوره‌گردی و دست‌فروشی افزایش پیدا کرده و نظم عمومی شهر به هم ریخته و برخوردهای شهرداری و انتظامی تشدید و تعارضات این قشر و گرفتاریهای گروه‌ها و دولت‌های قبل به روند خود ادامه می‌دهد. بر اساس آمار مرکز آمار ایران (سرشمارس نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵) درگاه ملی آمار (۱۳۹۵) جمعیت در شهرهای اطراف کلان شهر ۱/۵ الی ۷ برابر رشد داشته است و امرار معاش سرپرستان خانوارهای این جمعیت برای زیست معیشتی چاره‌ای جز دست‌فروشی در کف خیابان‌ها ندارند در واقع مشاغل و سکونت‌گاه‌های غیر رسمی در این دولت که شعارهایش بیشتر شبیه روزهای اول انقلاب بود همچنان رو به افزایش بود و تلاش این دولت جهت پیوند میان نولیبرالیسم با عوام‌گرایی نتیجه‌ای مطابق با شعار مهره وری جهنمی دیگر برای تهی‌دستان روشن کرد. وضع حاکم هر روز به جمع مستمندان و نیازمندان بویژه در شهرها اضافه می‌کرد و روز به روز به افزایش موسسات خیریه غیردولتی افزوده می‌شد و بی‌شک تهی‌دستان یکی از صاحب منصبان کمیته امداد هشدار داده بود که هدفمندی کردن یارانه‌ها ممکن است مراجعین این نهاد امدادی را افزایش دهد (رسالت ۱۶ آبان ۱۳۸۸) افزایش تعداد سازمانهای مردم نهاد و مساعدت‌های که این نهادها برای تهی‌دستان می‌کردند در برخی موارد برخلاف اساسنامه قانونی خود، با بسیج کردن این قشر از مردم که برای بقاء خود می‌جنگیدند بعضاً کاسب کاری سیاسی نیز می‌کردند. فیلم طهران تهران که به سفارش شهرداری وقت تهران ساخته شد به دنبال آشتی دادن ثروتمندان با فقرا بود تا نشان دهد

ثروتمندان حامی اصلی تهی‌دستان هستند. در واقع سینما و تلویزیون در خدمت جامعه بازار درآمده است در فیلم مهمان مامان سعی شده است تا مردم را متقاعد کند باید دست در دست هم دهید و مشکلات را حل کنیم هدف از اینگونه فیلم‌ها نجات بورژوازی بدست مردم بود. این گونه فیلم‌ها بدون شک مورد قبول افرادی مثل محمد نهاوندیان رئیس اتاق بازرگانی وقت بود (پول ۲۲ اسفند ۱۳۸۸).

طرفداران اقتصاد آزاد که به دنبال منع دولت از شیوه باز توزیع بوده‌اند معتقد بودند که بیش از آنچه تلاش می‌کنند نباید توقعی داشته باشند البته تلاش مدنظر بهره‌وری لازم را عاید تهی‌دستان نمی‌کرد. این یک سوال است که چرا مستضعف‌پروری در جامعه نهادینه شده است و همه ساله سعی بر این است تا با تجلیل از خیرین سرمایه‌دار آنان را قهرمان جلوه داده و در مقابل اقدام همچون خیرین، تسهیلات دولتی و یا معافیت مالیاتی شامل حال اینگونه افراد می‌شود به هر حال تهی‌دستان خیرین را تکیه‌گاه خود می‌دانستند ولی جالب اینجاست که سرمایه‌داران از این وضع بهره خود را مستقیم و یا غیرمستقیم داشتند و در برخی موارد هر وقت می‌خواستند فشاری بر دولت جهت دخالت در تصمیم‌سازی داشته باشند حمایت خود را با بهانه کسادبازاری و رکود اقتصادی از موسسات خیریه کم می‌کردند تا صدای تهی‌دستان مورد حمایت این موسسات بالا گیرد. حتی برخی موارد موسسات خیریه تعطیل می‌شد برای نمونه موسسه خیریه اشراف الانبیا در سال ۱۳۸۹ حمایت خود را از ۴۵۴ خانواده در سال ۱۳۹۳ به ۳۸۹ خانواده کاهش داد. (اطلاعات فوق از سایت موسسه مورد اشاره اخذ شده است).

با آزادسازی قیمت‌ها در این دوره بخش سلامت نیز در حالت بحرانی قرار گرفت و با افزایش هزینه‌های درمانی و عدم تخصیص اعتبار کافی به بخش درمان خانواده‌های بیشتر به قشر تهی‌دستان اضافه شد به گونه‌ای که در برخی آمارها افزایش فقر را ۳ تا ۵ برابر اعلام کردند (مومنی، عدالت اجتماعی، آزادی و توسعه در ایران امروز (تهران؛ نقش و نگار ۱۳۹۶ ص ۲۹۱).

در سال بهمن ماه ۱۳۹۰ با شدت گرفتن آزار و اذیت ماموران شهرداری عده‌ای از زنان دست فروش مترو با تجمع در مقابل مجلس نسبت به عملکرد شهرداری و ماموران انتظامی اعتراض کردند. جام جم (۱۸ آبان ۱۳۹۱).

ناتوانی دولت در برقراری تعادل اجتماعی و رفع مشکل همیشگی، تهی‌دستان را وادار به اعتراض در کف خیابان‌ها می‌کرد. در اعتراضات خیابانی با توجه به افزایش چند برابری هزینه خدمات آب و برق و گاز مردم در کوچه و بازار و خیابان و اتوبوس‌ها می‌گفتند مگر قرار نبود انقلاب کنید آب و برق مجانی شود، و مقاومت مردم جهت پرداخت بهای آب و برق و گاز مصرفی مشکلی مضاعف به مشکلات دولت اضافه کرده بود و عملاً دولت را با کمبود منابع جهت پرداخت یارانه نقدی مواجه کرد. در واقع در این دوره نیز تهی‌دستان مجبور به انشعابات غیرمجاز روی آورده بودند و محدودیت تهی‌دستان در بخش خدمات شهری، مسکن و اشتغال تعارضی آشکار و پنهان را در اشکال مختلف کاملاً نمایان بود.

براساس گزارش پژوهشی خبرگزاری ایرنا نرخ بیکاری از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ بترتیب ۱۸/۶، ۲۰/۳، ۱۹/۴ و ۲۰/۹ رسیده بود با ابلاغ سیاست اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۲ مبنی بر تامین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات منابع مالی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرین و توسعه و مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی آمار نرخ اشتغال از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ در دولت یازدهم ۶/۴ برابر میانگین دوره دولت قبل شد. علیرغم این گونه برنامه اقتصادی و رشد میزان ایجاد واحدهای اقتصادی جدید، رکود حاکم بر اقتصاد منجر به غیرفعال و یا نیمه فعال شدن برخی از بنگاه‌های اقتصادی و اخراج کارگران این بنگاه‌ها تحسن و تجمع کارگران همچون گذشته خبر اصلی روز بود.

در واقع در این دوره که مصادف بود با نیمه دوم دولت دهم (احمدی‌نژاد) و نیمه اول دوره اول دولت یازدهم (دولت روحانی) تفاوتی در وضع معیشتی تهی‌دستان دیده نمی‌شد و فقط شکل تعارض کمی متفاوت بود و گرنه همان دیدگاه استراتژی بقاء صورت پنهان تصمیمات دولت مردان بود و هراس دولتمردان از حوزه عمومی، ساختاری ایجاد کرده بودند که جمعیت را محبوس می‌کرد و اندیشه پوپولیسمی را حاکم کرده بودند. اما تنش و تعارض موجود با توجه به ورود جوانان تحصیل کرده بیکار به جمع تهی‌دستان رنگ و بوی تعارض رفته رفته شبکه‌ای شده و معترضین تنها تهی‌دستان نبودند. طبقه متوسط شهرنشینی نیز وارد میدان شده‌اند و معتقد بودند چشم‌اندازی روشن

برای آینده نمی‌بینند. تکرار وضع زیست معیشتی آینده را در تاریکی متصور می‌کرد و لایه اعتراضات در سالهای آخر این دهه خود را عمیق‌تر و گسترده‌تر نشان می‌داد. آصف بیات «معتقد است که اعتراضات ۱۳۹۶ ایران یک خیزش مردمی فوق‌العاده بود که هسته مرکزی آن طبقه متوسط فرودست شکل داده است و زمینه این تعارض نگاه نولیبرالی در اقتصاد ایران است» به قول ایشان اقتصادی که در آن رفاه مردم به امان خدایان بازار رها شده است. در این تعارضات دیگر تهی‌دستان حاشیه‌نشین و بیکاران و کارگران اخراج شده تنها نبودند جوانان ناامید از آینده از طریق شبکه‌های اجتماعی پیوستگی و یا نوعی همگرایی فی مابین معترضین ایجاد کرده بودند. و همین دلیل گستردگی و همزمانی اعتراضات ۹۶ را دامن زد. و ترکیب جمعی اعتراضات ۹۶ متفاوت‌تر از اعتراضات و تجمعات اعتراض دهه‌های قبل بوده است، در جریان اعتراضات ۹۶ به نظر می‌رسید هر چند بیشتر کلاهبرداری‌های صندوق‌های اعتباری موجب اعتراض‌ها شده است ولی در جریان شورش‌ها اقشار مختلف غیر از مشتریان این موسسات اعتباری در کف خیابان بودند و هر چند پوپولیسم اقتدار گرایانه حاکمیت سعی داشتند توده مردم را از ستیز خیابان برحذر کنند اما تهی‌دستان همانطور که شورش مسکن در اوایل انقلاب رخ داد این گونه تصرفات را حق خود می‌دانستند و شبکه‌های اجتماعی با تشویش اذهان مبنی بر فساد و ناکارآمدی دولتمردان حق به جانب تهی‌دستان بودند. (منبع، اینترنت، از مجموعه مصاحبه‌های اختصاصی آصف بیات).

در چند سال اخیر به نظر می‌رسد تا حدودی اقدامات پوپولیستی دیگر کارایی خود را با توجه به حاکمیت شبکه‌های اجتماعی از دست داده است و دیگر اشتباهات اقتصادی دولتمردان را نمی‌توان کتمان کرد. دستکاری در آمار و ارقام اقتصادی و معیشتی نتوانست التهاب موجود را فروکش کند و این اعتراضات حامیانی در خارج از کشور نیز به خود جلب کرده بود و در این زمان راهپیمایی‌های در برخی از کشورهای اروپایی و آمریکا در حمایت از اعتراضات داخلی ایران بویژه در دی ماه ۱۳۹۶ برگزار شد و دامنه اعتراضات به سیاست‌های اقتصادی دولت که کاملاً فسادزا و رانتیر شده بود به دانشگاه‌ها نیز کشیده شد. اینکه سیاسیون مخالف حاکمیت در کل و دولت به تنهایی در داخل و خارج بهره‌برداری خود را از این وضع آشفته کاسب بودند یا نه، از حوصله

این مقاله خارج است، دوره دوم دولت روحانی با گفت‌وگو با گفتمان تدبیر و امید با تنش گسترده مواجه شد طوری که این اعتراضات کشته‌هایی نیز بر جای گذاشت و با دخالت مستقیم پلیس ضد شورش پس از چندین روز تنش سخت و فیزیکی به حالت نیمه خاموش درآمد، در واقع دیماه ۱۳۹۶ پرتنش‌ترین دوران بعد از انقلاب را حکومت سپری کرد.

روند التهابات اقتصادی افسار گسیخته که در مهار آن دولت عاجز مانده بود تابستان ۹۷ وارد فاز جدید شد که این دفعه ماهیت کاملاً بازاری به خود گرفت و با افزایش غیرمنتظره قیمت طلا و سکه و سقوط شتابان ارزش پول ملی در مقابل ارزهای خارجی بویژه دلار و یورو اقتصاد ایران را خیلی بدتر از قبل به ضرر تھی‌دستان رقم زد و اعتراضات ایندفعه با شعار مرگ بر گرانی، مرگ بر بیکاری و مرگ بر اصلاحات پیچیدگی خاص خود را داشت و کشور ما که چندین سال عملاً معطل برجام بود با خروج یک طرفه آمریکا وحشت را روانه اقتصاد و بازار ارز و سکه و طلا ایران انداخت. و تورم شتاب چند صددرصد به خود گرفت و دیگر هیچ نقطه امیدی در آرزوهای تھی‌دستان باقی نگذاشت و شرایطی ایجاد کرد که دیگر جبهه‌گیری‌های سیاسی و جناحی کلاً از نظر مردم معترض بی‌اهمیت بود و معترضین در اکثر نقاط کشور علیرغم برخورد شدید ماموران امنیتی به بی‌کفایتی حکمرانی شعار می‌دادند در واقع کل سیاست حکمرانی اعم از داخلی و خارجی را مورد حمله قرار داد و هراسی از کشته شدن نداشتند.

با توجه پژوهش ۵ دهه اخیر تحولات، کاملاً مشهود است که نیمه دوم دهه پنجم مدت زمان اعتراضات زودتر از قبل تکرار و از شدت تنش بیشتری برخوردار بود و دلیل آن چیزی جز تشدید فشار معیشتی بر تھی‌دستان نبود اقتصاد آزاد مورد عمل در ایران بویژه بعد از انقلاب اسلامی برخلاف نظر دسوتو به جای اینکه تھی‌دستان از مقررات تبعیض‌آمیز دولتی رها شوند با رانت اقتصادی و قدرت اداری مواجه شدند که برای یک درخواست قانونی بایستی به رشوه متوسل شوند و آزاد سازی اقتصاد بدلیل رانت قدرت و نبود ساختار عقلانی، ثروتمندان و گروه‌های سوداگر بیشتر از قبل میدان‌دار تجارت و اقتصاد و سیاست شدند و منافع تھی‌دستان بیشتر از گذشته با بحران مواجه شد و با لیبرالیزه شدن اقتصاد از راه خصوصی‌سازی و رانت حاکم فی ما بین قدرت و اقتصاد منجر به واردات بی‌حساب و کتاب و تعطیلی بیش از پیش کارخانجات و بیکاری

گسترده گردید و این وضعیت به افراد زیست معیشتی خیابان بیشتر اضافه کرد مسافرکشی، دوره‌گردها و دستفروشان را هر روز بیشتر از روز قبل به آشفته‌گی کسب و کار با حالت غیررسمی منتهی گردید. فضای کسب و کار و مسکن به صورت غیررسمی در حال رشد بود اعتراض مغازه‌داران در مقابل دوره‌گردها و دستفروشان پیاده‌روها و تاکسی‌داران در مقابل مسافرکش‌های شخصی روز به روز تشدید می‌شد و دولت و دیگر دست‌اندرکاران توان مقابله با وضع موجود را نداشتند و عملاً اقتدار حاکمیت زیر سوال رفته و هر روز بدنبال یک عمل پوپولیتیسی جهت تزریق مسکن به جامعه برای مدیریت وضع آشفته و ایجاد انضباط اجتماعی بحران زده حاصل از بی‌تدبیری و بی‌قانونی بودند، شرایط موجود عملاً تبهکاریهای اجتماعی و اقتصادی را مضاعف کرده بود تهی‌دستان و اقشار طبقه پایین جامعه در کارزار دائمی با بی‌تدبیری و بدقانونی حاکم برای بقاء دست به هر کار غیر رسمی می‌زدند هر چند عمل غیررسمی مطلوب تهی‌دستان نبود اما چاره‌ای جز این نداشتند و تقلاً برای گذر از مصیبت حاصل از بی‌تدبیر و بی‌قانونی عمل غیررسمی و رویارویی با دولت بود و وقتی که از تشکل رسمی برای بیان خواسته‌هایش برخوردار نبودند کف خیابان را مکان مناسب برای ابراز مصیبت در معیشت خود می‌دیدند.

دامنه اعتراضات به وضع معیشت در سنوات اخیر بویژه ۹۷ و ۹۸ دیگر یک قشر و طبقه نیست از تهی‌دستان تا بازاریان و کامیون‌داران حتی در برخی موارد به کارمندان نیز گسترده و اعتراضات تقریباً سراسری شده است. ۱۶ مهر ۱۳۹۷ در شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، سنندج، تبریز و چندین شهر بزرگ و کوچک اعتصابات رخ داد. کارگران خوزستانی در آبان و آذر ۱۳۹۷ در شهرهای شوش و اهواز به وقوع پیوست و هیچکدام از این اعتصابات و راهپیمایی‌ها خواسته جز معیشت نداشتند کدامین عمل و تصمیم زمینه‌ای حضور کارگران نیشکر هفت و هیکو اراک فولاد اهواز را به خیابان کشانده بود، همان ساختار معیوب اقتصادی که رانت قدرت و ثروت را موجب شده است تا واگذاری‌ها با سوء استفاده از بدقانونی به راحتی هزاران تولید کننده و هزاران کارگر را به بدبختی کشانده تا برای بقاء خود تلاش کنند. در اواخر این دهه در واقع ۹۷ و ۹۸ جنبش در ایران حالت سراسری و چند طبقه‌ای به خود گرفته در این وضع به هیچ

وجه قابل کتمان نیست که حاشیه‌های امنی برای مفسدان اقتصادی وابسته به قدرت همگان را به صف معترضان مسکن و اشتغال اضافه کرده و دیگر هیچ مسکنی درمان این درد نمی‌باشد مگر اصلاح ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چرا که زمینه این جنبش‌ها ساختار معیوب است که فساد را گسترده و در قدرت، اقتصاد و سیاست به هم پیوند داده است و این پیوند شکاف اجتماعی را بیشتر و اعتماد را به حداقل ممکن رسانده است و امید را برای زندگی کمتر و کمتر کرده است دنیای در این وضع ایجاد شده است که تهی‌دستان امید خود را فقط در تغییر ساختار جستجو می‌کنند ساختاری که اجازه داده بدون پرداخت حق گمرک میلیون‌ها تن کالای قاچاق از بنادر رسمی وارد بازار می‌شود که در آن تولید کننده هر روز مجبور به تعطیلی مراکز تولید خود یا اخراج کارگران هستند، نظریه جامعه کلنگی کاتوزیان شاید نرم‌ترین نظریه بر جامعه ایران است که در آن حتی قانون معیوب نیز در اطاعت سلیقه‌های رانت قدرت است و هر کسی و هر جریانی در راس امور قرار می‌گیرد کاری با خوب و بد تصمیمات قبلی‌ها ندارد باید تخریب و دوباره به اصطلاح نوسازی شود و مهم نیست این نوسازی چگونه و بر پایه کدام ستون استوار شود مهم بهره‌مندی رانت قدرت از تصمیم جدید است و این وضع پیوسته در حال تکرار بوده و در این حالت فقر حاصل از فساد ساختاری و مدیریت ناکارآمد روز به روز بیشتر می‌شود فقر در آموزش و بهداشت، مسکن و زیست را برای تهی‌دستان غیرممکن کرده است. ساختاری که در آن هزاران بخشنامه و آئین‌نامه و دستورالعمل در تناقض با هم قدرت‌نمایی می‌کنند، آیا در این آشفتگی بازار می‌توان به حقوق انسانی خود رسید؟ آیا با اعمال زور و تهدید می‌توان جلوی دگرگونی اجتماعی را گرفت؟ اگر جنبشی هست پس مطالبه‌ای به حق در پس این جنبش وجود دارد چرا که جنبش مبارزه برای طلب حق است مبارزه برای تغییر به وضع مطلوب است که در شرایط نامطلوب زندگی انسان‌هایی را دور هم جمع می‌کند تا به دنبال هدف مشترک صدایی را بلند کنند شاید فرجی حاصل شود که این شکل از دولت‌ها می‌تواند در مقابل این گونه جنبش‌ها پاسخ‌گو باشد دولتی که ساختار متناسب با جامعه جهانی شده نداشته باشد، چقدر و چند روز می‌تواند با تهدید و ارعاب با جنبشی مقابله کند. راه مقابله با جنبش پاسخگویی متناسب با مطالبات آنها است که در جامعه کلنگی این امکان وجود

ندارد. حالت جنگی گرفتن در مقابل جنبش تهری‌دستان در طول سنوات گذشته آیا توانسته مشکل را حل کند؟

اقدامات عوام فریبانه دولت نه تنها مانع دوام جنبش تهری‌دستان نشده است بلکه بدلیل عدم اعتماد جنبش همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد و ضمن کاهش فاصله اعتراض این جنبش میزان و دامنه خشونت نیز افزایش یافته است، اعتراضات آبان ماه ۹۸ نمونه بارز این ادعاست در واقع بلحاظ اینکه این جنبش قبلا شکل گرفته و تا رسیدن به هدف خویش ادامه می‌یابد با توجه به تنوع اعتراضات و پیچیدگی که در سالهای اخیر در این جنبش نمایان است علاج عاجل را می‌طلبد و تعلق در پاسخ به خواسته این جنبش ممکن است خسارت جبران‌ناپذیری را به جامعه تحمیل کند اعتراضات آبان ۱۳۹۸ زنگ خطر را با صدای بلند به صدا درآورد، اگر این صداها نیز مثل قبل پاسخ اش عوام فریبی یا مسکن‌درمانی باشد همان تکرار اشتباهات گذشته است این در حالی است دیگر گذشته‌ای نیست که دولتمردان فکر می‌کنند همانطوریکه که قبلا اشاره شد پیچیدگی موجود در اعتراضات اخیر تنش را تشدید و خطرناک می‌کند و گزارشات آماری غلط و یا شعارهای دلسوزانه حاکمیت بدلیل این که در سنوات قبل نیز همچون رفتار در زمان تنش از سوی دولتمردان تکرار شده است دیگر چندان موثر نیست و بدلیل گستردگی تهری‌دستان در سر تا سر ایران، تنش بعدی در صورت عدم تحقق خواسته جنبش به احتمال قوی زودتر و گسترده‌تر خواهد بود. در اصل واکنش تهری‌دستان بدلیل عدم تحقق مطالبات خود در حالت انفجار باقی مانده است. اعتراض آبان ۱۳۹۸ عملا نشان داد دولت برنامه‌ای برای کاهش شکاف بین تهری‌دستان و ثروتمندان و رفع مشکل اولیه زندگی این قشر را ندارد و صرفا ارائه آمار غلط از سوی مرکز آمار ایران و سازمان مدیریت برنامه‌ریزی برخلاف واقعیت‌های موجود جامعه است البته آمار ۶۰ میلیون دریافت‌کنندگان طرح معیشتی گواه ادعای کذب سنوات گذشته دولتمردان است که اعلام می‌کردند بهبود وضع معیشت تهری‌دستان حاصل شده است پس اگر وضع معیشت رو به بهبود است پس چرا ۶۰ میلیون نفر را جزو کمک‌گیرندگان برای معیشت انتخاب شده است و این یعنی حدود ۷۵ درصد جمعیت زیر خط فقر، این

همان بحران معیشت است آیا در طول ۵۰ سال مورد مطالعه عاملی جز ناکارآمدی دولتمردان و مشکل ساختاری دیده می‌شود؟

۴. بحث و تحلیل

تهی‌دستان با پدیده‌ای چون فقر مواجه هستند فقرا فقیرند چون از امکانات برای زندگی تهی هستند و تا زمانی که این شرایط تهی‌دستی ادامه دارد فقیر می‌مانند لیکن به راستی فقر و جنبش‌های اجتماعی را چه پدیده‌ای به شمار آوریم زیرا به کنار از آن که چه درباره این دو گفته می‌شود، به هر تقدیر فقر و جنبش‌های اجتماعی در خارج از ذهن آدمیان موضوعاتی عینی و ملموس‌اند به قول معروف کافی است که از پنجره به بیرون نگاه کرد تا فقر را دید و خوب گوش کرد تا ندای جنبش‌های تهی‌دستان را شنید. پس باید این واقعیت را قبول کرد در کنار فقر و گسترش آن شکل‌گیری انواع عمل‌جمعی یک امر عادی است.

هر چند برای فقر شاخص‌های متفاوتی مدنظر صاحب‌نظران است اما در هر حال فقر موجب می‌شود تهی‌دستان را در حاشیه و با حداقل امکان زندگی در کنار هم گرد آورد و این ویژگی موجب شده ادغام را مطلوب جامعه خود می‌دانند.

در واقع این افرادی که به هر شکل در کنار هم قرار می‌گیرند، به صورت بالقوه می‌توانند به همراه یکدیگر وارد عمل شوند چرا که محیط مشترکشان و منافع مشترکشان به عمل جمعی وا می‌دارد و بدلیل نبود نهادی برای بیان نارضایتی شان اقدام به اعتراض در کف خیابان می‌کنند.

در این شرایط حکمرانی ناکارآمد که فاقد برنامه منظم حکمرانی است شدیداً با این عمل نارضایتی برخورد سخت را دنبال می‌کند. اما بدلیل عدم تامین خواسته تهی‌دستان این شرایط در زمان و مکان دیگر مجدد و شاید با شکلی متفاوت‌تر و پیچیده‌تر شعله‌ور می‌شود. و این عدم تامین خواسته در واقع به میزان ماده خام ریشه در افسار تهی‌دستی ارتباط دارد. و زمانی که بحران مشروعیت در دولت وجود داشته باشد فعالیت این جنبش‌ها منجر به انقلاب می‌شود. (مثل انقلاب ۱۳۵۷ ایران یا آفریقای جنوبی ۱۳۷۰).

۴-۱. زمینه ساختاری شکل‌گیری جنبش اجتماعی:

تحول ساختاری لازمه هر نوع حکمرانی در طول تاریخ است و مقاومت در مقابل تغییر زمان کنش اجتماعی را بدنبال دارد. داگلاس نورث در کتاب فهم فرایند تحول اقتصادی، تحول اقتصادی را تابعی از سه مجموعه بنیادی از امور غیر اقتصادی می‌داند که عبارتند از الف) تحول در کمیت و کیفیت جمعیت ب) تغییر در ذخیره دانایی به ویژه دانش تسخیری و ضمنی برای غلبه بر طبیعت، ج) تغییر در چارچوب نهادی که تعیین‌کننده ساختار تحول یافته انگیزشی جامعه است. از دیدگاه ایشان برای ایجاد هرگونه تغییر توسعه گرا در حیطه اقتصادی حیات جمعی انسان‌ها، ابتدا باید یک صورتبندی اندیشه‌ای منطبق و روشمند از وضع مطلوب فراهم شده باشد تا تغییر مطلوب قابلیت عینیت بخشی پیدا کند. فضای مجازی وضع مطلوب را برای جوامع بشری تبیین کرده است، فلذا حکمرانی پوپولیستی با ایجاد نظم اجتماعی محدود نمی‌تواند صورتبندی مورد نظر خود را در جامعه حاکم کند، و این شرایط ساختار زمینه خشونت اجتماعی را بدنبال دارد پس زمینه ساختاری است که شرایط کلی اجتماعی را برای تشویق و یا مانع شکل‌گیری انواع جنبش‌های اجتماعی مهیا می‌کند. هر چقدر ساختار موجود جامعه توان پاسخ‌گویی و اقبال در مقابل جنبش‌ها نباشد این جنبش‌ها بیشتر توسعه خواهند یافت.

فشار ساختاری به تنش‌ها و تضادها و ابهام‌هایی گفته می‌شود که باعث ایجاد منافع متعارض در درون جامعه می‌گردد و این گونه فشارها در شکل نگرانی درباره آینده، اضطراب‌ها، ابهامات یا برخورد مستقیم هدف‌ها ابراز می‌شوند. در این شرایط منابع فشار ممکن است کلی یا ویژه موقعیت‌های معینی باشند.

گسترش باورهای تعمیم یافته به معنی تاثیرگذاری‌های جهان بینی‌ها مختلف، می‌تواند باعث افزایش نارضایتی‌ها و هدایت مردم برای یافتن راه‌های عملی رفع آنها شود. عوامل شتاب دهنده، حوادث یا رویدادهایی هستند که در واقع موجب می‌شود افرادی که به جمع جنبشی می‌پیوندند مستقیم وارد عمل شوند که البته این عمل جزو شرایط پیدایش جنبش‌ها نیست. بلکه به شکل‌گیری آن سرعت می‌بخشد بنابراین پیدایش و توسعه جنبش‌ها یا اجتماعی به شدت از عملکرد و کنترل اجتماعی تاثیر می‌پذیرد و این کنترل می‌تواند در مقام پاسخ‌گویی یا فشار باشد که در شرایط مختلف

پاسخ متناسب از سوی جنبش‌ها بروز می‌کند، اگر پاسخ از نوع تعدیل ساختاری و تامین خواسته باشد امکان توسعه جنبشی و عمل خشونت از جنبشی به حداقل خود می‌رسد ولی اگر پاسخ در قالب فشار و مقاومت باشد پاسخ جنبشی نیز فشار و مقاومت است و بلحاظ اینکه در این شرایط (پاسخ فشار) جنبش به هدف خود نمی‌رسد، یا در کف خیابان یا در زیر خیابان عمل به شدت سخت‌تر از قبل خواهند داشت.

جنبش مشروطه نمونه بارز این گونه جنبش‌هاست که با عمل محمدرضا پهلوی به شکل‌گیری جنبش اسلامی انقلابی منجر شد.

در این مقاله از اصطلاح ساختار نرم مقتدر استفاده می‌شود، ساختار نرم مقتدر ساختاری است که از انعطاف بیشتری برخوردار است و اینگونه ساختار ضمن حفظ اقتدار خود در مقام مطلق ظاهر نمی‌شود یک ساختار قانونی برخاسته از خواسته اکثریت است و به راحتی توان پاسخ‌گویی در مقابل اعتراض را دارد. جنبش‌ها معمولاً با توجه به پیشینه تاریخی آنها بیشتر در جوامع با ساختار سخت در صورت عدم فرصت ابراز خشم به صورت آتش زیر خاکستر همیشه فعال و بدنبال زمان مناسب هستند و در زمان موعود خشونت به همراه دارد. در واقع جنبش‌ها در جایی امکان رشد پیدا می‌کنند که هم بوروکراسی ناکارآمد دولتی و هم سازمان‌های رسمی بسته و تغییر ناپذیر برخوردار است، در اصل هر چه دولت دموکراتیک‌تر و کارآمدتر باشد زمینه کمتری برای رشد جنبش‌ها بوجود می‌آید. و در شرایط دموکراتیک ضمن ورود تهی‌دستان به ساختار دولت از ابزارها و نهادهای موجود حکمرانی نیز هرچند محدود بهره می‌برند.

۴-۲. ناکارآمدی حکمرانان (یا ناشایستگی حاصل از رانت در حکمرانی)

داگلاس نورث و همکارانش در کتاب خشونت و نظم‌های اجتماعی به دو نوع نظم حاکم اشاره می‌کنند، الف) نظم دسترسی محدود، ب) نظم دسترسی باز، نظم دسترسی محدود را شامل فرادستان گردهم آمده در ائتلاف مسلط که با ایجاد انحصار و محدودیت از ورود دیگران به عرصه مدیریت در نظم‌های سیاسی، اقتصادی و.. ممانعت بعمل آورد و رانت خلق می‌کنند، اما در نظم دسترسی باز، حکمرانی غیر شخصی و باور و تعهد همگانی به برابری و فراگیری وجود دارد در اینگونه نظم رقابت سیاسی و اقتصادی

است که ثبات اجتماعی را حفظ و خشونت را مهار می‌کند در واقع با حاکمیت قانون (قانون با کیفیت) عدالت و برابری در جامعه ایجاد می‌کند.

ناکارآمدی حکمرانی نظم دسترسی محدود تولید می‌کند و اینگونه نظم موجب رشد و توسعه نابرابر و بی‌عدالتی و تبعیض می‌شود، دولت ناکارآمد حاصل ساختار سخت است چرا که در اینگونه ساختار جریان حاکم تمامیت خواه بوده و عملاً خود را برتر و بدون خطا دانسته و در واقع دارای چشم بینایی کور و گوش شنوای کر هستند، زمان از نظر اینگونه دولتمردان ایستاده است و چون جنبش‌های اجتماعی جدید در واقع از نمودهای جهان جدید به شمار می‌آید احساس نمی‌کنند و یا کلاً این نمودها را قبول ندارند و تحول در ماهیت جامع بشری را نمی‌بینند و بلحاظ اینکه جنبش‌های اجتماعی یکی از اصلی‌ترین راه تغییر سیاسی اجتماعی هستند و به قول مارکس و انگلس که معتقد هستند جوامع شرقی جوامع ایستاست در واقع در اینگونه جوامع که ایران نیز جزو آن است جامعه‌ای تحت استثمار دولت یا طبقه دیوانیان تمامیت خواه در اختیار یک طبقه خاص قرار دارد و عملاً از طبقات مختلف جامعه در ساختار حکمرانی خبری نیست.

(مقاله جنبش‌های اجتماعی و مسئله تغییر ساختارهای اجتماعی در ایران آسیایی، مصطفی عبدی: مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره شانزدهم تابستان ۱۳۹۴)

جامعه‌ای که در استثمار دیوانیان تمامیت خواه قرار دارد نوع پاسخ به جنبش‌ها سرکوب است و معمولاً موفق هم می‌شوند اما به هیچ وجه نمی‌توانند شعله‌های این جنبش‌ها را برای همیشه خاموش کنند. بعنوان مثال حکومت قاجار با استفاده از قدرت استبدادی تمامیت خواه خود توانست جنبش‌های زمان خود را سرکوب کند، اما آیا توانست خاموش و یا از بین ببرد؟ جواب نه است چرا که نهایتاً منجر به سرنگونی این حکومت شد هر چند در جامعه ایران جنبش‌ها به دلیل چند پاره‌گی فرهنگی به شکل واقعی خود نرسیده اما توانسته است تاثیر خود را هر چند در بلند مدت تا حدودی بر ساختار گذاشته است. آبراهامیان نیز پیش از فوران به این چند پاره‌گی اشاره کرده است او ساختار اجتماعی ایران را مجموعه‌ای در هم آمیخته و پیچیده می‌داند که هر جزء

کوچک آن دارای شکل، بافت و رنگ متفاوتی است. به همین دلیل واژه تنوع را برای توصیف آن انتخاب می‌کند. (آبراهامیان ۱۳۸۷: ۲۶).

بشیریه معتقد است یکی از عوامل پیدایش چنین تعارضاتی ظهور نظام‌های فکری و عقیدتی جدید است (بشیریه ۱۳۸۰، ۱۳۳-۱۳۴) برای نمونه جنبشی موسوم به نهضت ملی صنعت نفت ایران می‌توان اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

جنبش تھی‌دستان نیز مثل دیگر جنبش‌های اجتماعی هدفی غیر از تحقق اهداف خویش را دنبال نمی‌کنند و باید قبول کرد که این یک پدیده اجتماعی غیرمخرب است و فرایند این جنبش نیز بیان یک یا چند نوع از مشکل اجتماعی می‌باشد و اگر فهمی درست از بیان یک جنبش در حکمرانی حاصل شود قطعا به درستی مدیریت خواهد شد و چنانچه فهم صحیح از خواسته اینگونه جنبش‌ها نباشد دیگر نمی‌توان فرصت قلمداد کرد چرا که فهم ناصحیح از مطالبات یک جنبش منجر به سرکوب آن به شکل خشونت می‌شود و سرکوب یک جنبش حاصلی جز زیر زمینی شدن و قدرتمند شدن آن ندارد و به طبع آن چالش‌های بالقوه نیز فعال شده و هزینه‌های غیرقابل پیش‌بینی را در پی دارد. با توجه به این پژوهش در پنج دهه اخیر که یک دهه اول آن دوره حکومت پهلوی دوم بود و چهار دهه دیگر به بعد از انقلاب اسلامی مربوط می‌شود عملا تفاوت چندانی در برنامه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که بتواند تھی‌دستان را توانمند و بهبود معشیت‌ها شود دیده نشد و در شکل برخورد با جنبش اجتماعی تھی‌دستان عملا سرکوب بوده است و بجای کشف زمینه این جنبش آن را توطئه خارجی قلمداد کردند هرچند تاثیر عوالم خارجی بر اینگونه جنبش‌ها انکار نمی‌شود. اما نگاه عوام‌فریبانه و سرکوب مقطعی تاکتیک تکراری در اعتراضات دهه اخیر مورد تحقیق حکمرانان بوده است، که حاصلی جز خشونت و هزینه از ایجاد شکاف بین ملت و حکومت برای نظام نداشته و در تمام این مدت دولتمردان به گونه‌ای آمار سازی کردند که به نظر برسد همه چی آرام است و مردم در آسایش و رفاه هستند. دهه اول که دوران آخر حکومت پهلوی بود فساد در دربار و جنگ قدرت و رانت در اقتصاد به کلی تھی‌دستان را فقیر و فقیرتر کرده بود و

شاه زمانی گفت صدای شما را شنیدم که کار از کار گذشته بود. دهه دوم موردنظر در این مقاله اگر از تب و تاب دوران اول انقلاب و جنگ را دوران متفاوت در نظر بگیریم علیرغم اتحاد و تعصب انقلابی که در بین اکثریت مردم خروشان بود. تهی‌دستی را اکثرا تا حدودی زائیده انقلاب و جنگ می‌دانستند هر چند تصرفات غیرقانونی و درگیریهای در این مدت نیز بین تهی‌دستان و نیروهای امنیتی و حتی کمیته‌ها وجود داشت بعد از اتمام جنگ و با شروع دوران سازندگی حرف از اقتصاد آزاد و وعده‌های رفاه و توسعه تهی‌دستان را امیدوار وارد دهه دوم بعد از انقلاب شده بود، اما شرایط به گونه‌ای پیش رفت که بازنده اصلی در اقتصاد آزاد و مدنظر دوران سازندگی همان تهی‌دستان شدند و بدلیل رانت موجود در این دوران باعث شد آبی برای این قشر گرم نشود و باز تش‌ها به وضع معیشت شدت گرفت و بدون محصول، سرکوب و وعده‌های سرخرمنی فروکش کرد. در پایان دوره سازندگی دوره اصلاحات با گفتمان جدید که به نظر می‌رسید با این شعار تهی‌دستان مجاللی برای عرض اندام جهت دنبال کردن حقوق خود باشند اما این دوره دولتمردان با جنبشی متفاوت‌تر و پیچیده‌تر مواجه بود چرا که فضای مجازی در ایران نیز پا به عرصه گذاشته بود و این باعث افزایش مطالبات و نوع آن بوده است. اعتصابات کارگری دهه ۱۳۷۰ نمونه این رشد آگاهی بود که طرفداران جهانی نیز به دنبال خود داشت و قدرتی فراتر از قدرت دهه اول مورد مطالعه بود و واکنش‌ها، همان واکنش قبل و بعد از انقلاب در این دولت نیز در مقابل جنبش بوده است دهه چهارم دولت مهرورزی با شعارهای مشابه اوایل انقلاب کمی تهی‌دستان را خوشحال کرد اما طولی نکشید باز کسی جز تهی‌دستان نبودند که آرزو به دل ماندند و به خیابان‌ها ریختند و تکرار برخورد و سرکوب پاسخ در مقابل مطالبات بحق بود نهایتاً دهه اخیر با دوره دوم دولت احمدی نژاد و ۶ سال دولت روحانی با گفتمان تدبیر و امید حاصلی جز تشدید اعتراضات و قدرتمند شدن جنبش و افزایش هزینه برای نظام نداشت، پس نتیجه بی‌توجهی موجب انباشت مطالبات و تشدید التهاب در جامعه شده است و دیگر جنبش‌ها را نیز، در کنار جنبش تهی‌دستان قرار داده و دیگر سرکوب دوام چندانی ندارد.

در این مقاله، مطالعه دولت‌های متفاوت با گفتمان‌های متفاوت قبل از انقلاب تا آخرین دولت (دولت روحانی) تفاوت کارکردی چندانی در مقابل جنبش تهی‌دستان

مشاهده نشد چرا که این جنبش اگر به خواسته خود رسیده بود ادامه آن به شکل مشابه بی‌معنی است. اولاً: جریان قدرت در تمام دولت‌ها از برنامه‌ای معقول برای پاسخ‌گویی برخوردار نبوده و بی‌برنامه‌گی حاصل دولتمردان ناشایست و اقتدارگرایی است که رانت‌پشتوانه اصلی اینگونه دولت‌هاست. دوماً: بر خلاف گفتمانهای متفاوت، دولتها تغییری در ساختار متناسب با نیاز جامعه و هماهنگی با ساختار نظام جهانی نداشتند و همچنان سوار بر ساختار معیوب به پیکره نظام می‌تاختند و هر کدام خود را پاکترین و قوی‌ترین دولت برای مردم می‌بینند و کاری با نتیجه عمل ندارند و حاصل این دولتمردان ناکارآمد با ساختار معیوب باعث فقیرتر شدن فقرا و ثروتمند شدن ثروتمندان که با رانت در حاکمیت بهره‌مند بودند نداشت و نهایتاً این وضع در مسیر بحرانی شدن تعارضات این جنبش و عدم توان کنترل و هزینه بر بودن آن در شرایط بحرانی است. به نظر می‌رسد مشکل در جوامع توسعه نیافته، عمدی است، اینگونه نیست که مشکل تهی‌دستان را حکمرانی فهم نکرده باشد، بلکه به قول عجم اوغلو و راینسون، (کتاب چرا ملت‌ها شکست می‌خورند) مشکل دوراهی اینگونه سیاستمداران است، حفظ قدرت سیاسی از طریق قربانی کردن منافع عمومی یا تامین منافع عمومی و از دست دادن تدریجی قدرت سیاسی است. با توجه به یافته‌های این مقاله به نظر می‌رسد دو راه برای کاهش این تنش و توانمندسازی تهی‌دستان وجود دارد. نخست در راستای ارزش‌های انقلاب اسلامی، شایسته‌سالاری در حاکمیت که باعث حذف رانت و ایجاد نظم اجتماعی همه‌شمول عادلانه با دسترسی باز می‌شود. و دیگر این که اصلاح سیاست‌ها باتوجه به ضرورت‌های چالش‌ها و فرصت‌های محیط بین‌المللی است چرا که هر دو شکل عدم رعایت شایسته‌گزینی و سیاست‌های نامتناسب با فرصت‌ها و چالش‌های محیط بیرونی زمینه‌ساز رشد جنبش‌ها اجتماعی از جمله تهی‌دستان می‌باشد، به نظر می‌رسد که برای اجتناب از هزینه‌زایی جنبش‌های اجتماعی در زمینه‌های مختلف می‌بایست راه حل‌هایی اساسی و جدی در این باره اتخاذ شود.

منابع

- اتابکی، تورج. (۱۳۹۶). *دولت فرودستان*، چاپ سوم، تهران: انتشارات ققنوس.
- اعجم اوغلو، دارون و رابینسون، جیمزه‌ای. (۱۳۹۲). *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند*، ترجمه محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی‌پور، تهران: نشر روزنه.
- امین صارمی، نوذر. (۱۳۹۳). *جنبش‌های اجتماعی، تحول کنش‌های کارگری در ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- بشیری، حسین. (۱۳۹۹). *زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران*، چاپ ششم، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بیات، آصف. (۱۳۹۷). *سیاست‌های خیابانی جنبش تهری دستان در ایران*، ترجمه اسدالله نبوی چاشمی، تهران: انتشارات شیرازه.
- بیات، آصف. (۱۳۹۰). *زندگی همچون سیاست، چگونه مردم خاورمیانه را تغییر می‌دهند*، ترجمه فاطمه صادقی، کتابخانه الکترونیکی امین.
- بیات، آصف. (۱۳۹۰). *سیاست‌های پوپولیستی برای تهری دستان*.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۶۳). *انقلاب ایران در دو حرکت*، تهران: ناشر مولف.
- دانش، ابوالحسن. (۱۳۶۳). *علل و عوامل گسترش مشاغل کاذب در شهرهای بزرگ*، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- رضا قلی، علی. (۱۳۹۸). *اگر نورث ایرانی بود*، تهران: ناشر نهادگرا.
- زاهد، سعید. (۱۳۸۱). *جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران*، چاپ دوم، تهران: سروش (انتشارات صداوسیما).
- شیخی، محمد. (۱۳۶۴). *علل و عوامل دست‌فروشی در شیراز*، شیراز: دانشگاه شیراز.
- صادقی، علیرضا. (۱۳۹۷). *زندگی روزمره تهری دستان شهری در ایران*، تهران: انتشارات آگاه.
- طاهری، محمدرضا. (۱۳۸۹). *مستضعفین قانع*، نشر راه.
- فرجادی، غلامعلی. (۱۳۶۱). «بررسی بازار کار اشتغال و بیکاری در ایران»، *برنامه و توسعه*، شماره ۳، پاییز.

مومنی، فرشاد. (۱۳۸۶). *اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری*، تهران: نقش نگار.

محمد تقی دلفروز. (۱۳۹۳). *دولت و توسعه اقتصادی؛ اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا*، تهران: آگاه.

نورث، داگلاس. (۱۳۹۶). *فهم تحول اقتصادی*، مترجمان: میر سعید مهاجرانی و زهرا فرضی‌زاده با مقدمه فرشاد مومنی، تهران: نشر نهادگراف.

نورث، داگلاس، والین، جان جوف، و اینگاست، باری. (۱۳۹۷). *خشونت و نظم اجتماعی*، مترجمان جعفر خیرخواه و رضا مجیدزاده، تهران: انتشارات روزنه.

۲۰۰

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

اول، شماره پیاپی

سی و شش

بهار ۱۳۹۹

